

رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای فرزندپروری والدین بر روی خلاقیت دانش‌آموزان

معصومه کوثری^{۱*}، محمدامین علینقیان^۲، حنا علیزاده^۲، حانیه معروف^۲، محمد تقی پور^۲

^۱گروه روانشناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

kosarim881@gmail.com

^۲گروه مهندسی صنایع، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای فرزندپروری والدین بر روی خلاقیت دانش‌آموزان شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه (پایه‌های اول، دوم و سوم متوسطه) منطقه ۱۵ شهر تهران است (۵۰۰ نفر والدین و دانش‌آموز) که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در مدارس آموزش و پرورش منطقه ۱۵ شهر تهران مشغول به تحصیل می‌باشند. با استفاده از جدول مورگان و به شیوه‌ی نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۸۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مدارس متوسط دوم، تعداد نمونه ۴۹٪ (۳۹ نفر) و دانش‌آموزان پسرانه‌ی متوسطه دوم، تعداد نمونه ۵۱٪ (۴۱ نفر) به عنوان نمونه انجام کار انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری، پرسشنامه ویژگی‌های شخصیت NEO، پرسشنامه خلاقیت تورنس (۱۹۷۹) استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای فرزندپروری والدین بر روی خلاقیت دانش‌آموزان تاثیر معنادار داشته است.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های فرزند پروری، خلاقیت

۱. مقدمه

شخصیت اهمیت بسیاری در کیفیت زندگی دارد. به همین دلیل است که هر ویژگی شخصیتی اصلی که توسط روانشناسان مورد بررسی قرار گرفته است، با یک یا چند نتیجه مرتبط، به هم پیوند خورده است. حال ممکن است این ویژگی‌ها مربوط به تلاش برای دستیابی به سلامت روان باشد و یا تلاش برای افزایش رضایت در روابط عاشقانه! این امر نشان می‌دهد که شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی تا چه اندازه در زندگی فرد اهمیت دارد. در صورتی که ویژگی شخصیتی واقعاً افراد را به شکل معناداری از هم جدا می‌کند، باید به تفاوت‌های دیگری مانند چگونگی رعایت عدالت در زندگی برای بهتر یا بدتر شدن آن نیز مرتبط باشد. این مسئله دقیقاً همان چیزی است که دانشمندان که در حوزه شخصیت مطالعه می‌کنند، در تلاش برای دستیابی به این حقایق هستند. ارتباط بین تفاوت‌های شخصیتی و پیامدهای آن در زندگی بسیار پیچیده است. افراد برونگرا معمولاً زندگی اجتماعی بهتری را نسبت به افراد درونگرا تجربه می‌کنند.

بی شک، شکل‌گیری شخصیت و منش و رفتار هر فرد تحت تأثیر وراثت و محیط زندگی شخص است ولیکن، درصد قابل توجهی از رفتار انسانها اکتسابی است و در اثر یادگیری به خصوص در دوران کودکی شکل می‌گیرد. قشر عمده‌ای از جمعیت کشورمان را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. به همین سبب شناخت مشکلات پیش روی این قشر و رفع آنها و رشد توانایی‌های بالقوه آنها یکی از مباحث توجه برانگیز روانشناسان در دهه‌های اخیر است. آنها معتقدند که هیچ رفتاری بدون علت و مقدمه بروز نمی‌کند، بلکه معلول چندین عامل زمینه‌ساز است که مهم‌ترین آن، محیط زندگی نامساعد خانواده است. تجربه‌ای که فرد در اوایل زندگی در خانه با خانواده اش و به طور کلی با والدین خود دارد، به عنوان عوامل مهم و تعیین کننده فرایند تنظیم و سازش یافتگی شخصی در طی دوران بلوغ و زندگی آینده وی هستند. زندگی برای انسان از راه تعامل و ارتباط ممکن می‌شود و اصلی‌ترین منبع ارتباطی برای آدمی والدین هستند. بنابراین نقش والدین در رشد و تحول فرزندان در بسیاری از زمینه‌ها مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است.

۲. بیان مساله

امروزه همه‌ی جوامع بشری به خلاقیت نیاز مبرم دارند خلاقیت رمز اصلی و اساسی پیشرفت و مانع وابستگی یک جامعه‌ی پویا است (حسن زاده، نراقی و قیصری زاده، ۱۴۰۱). تفکر خلاق برای انسان امروزی بسیار ضروری به نظر می‌رسد چراکه به واسطه‌ی شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فعلی، افراد نیاز دارند تا به گونه‌ای دیگر بیندیشند و مهارت‌های خود را توسعه ببخشند. از طرف دیگر در جامعه‌ی کنونی اهمیت نیاز به کودکان و نوجوانان خلاق و آفریننده به عنوان منابع انسانی فردا، بر کسی پوشیده نیست. پرورش کودکان و نوجوانان خلاق و با انگیزه برای رفع تنگناهای موجود و ابداع و خلق روشها و فنون منتهی به خود کفایی و رهایی از وابستگی، حائز اهمیت است (افروز، ۱۳۹۹). دوره‌ی نوجوانی به سبب تحولات چشمگیر زیستی، ذهنی، روانی و اجتماعی به مثابه‌ی تولد دوباره‌ی انسان است. توسعه‌ی علایق و انگیزه‌ها، گسترش افق‌های ذهنی، مطلوب اندیشی و آرمان خواهی، نکته‌ی سنجی و حساسیت به مسائل مختلف از ویژگی‌های نوجوانان و جوانان است. از این رو، وجود ارزشمند و پر برکت آنان قابلیت رایزنی می‌یابد (افروز، ۱۴۰۰). پژوهشگران بر این باورند، در نتیجه‌ی تشویق، فراهم آوردن موقعیت‌های مناسب و آموزش، افراد می‌توانند به تفکر خلاق دست یابند. خلاقیت یک مهارت پیچیده است که به انسان اجازه می‌دهد در موقعیت‌های مختلف زندگی روزانه، با به کارگیری ایده‌های بدیع و خاص، بهترین تصمیم را اخذ و مشکلات را حل و فصل نماید. بنابراین در روند سازگاری فرد و جامعه‌ای که به سرعت در حال تغییر است، یک مهارت اساسی محسوب می‌شود. خلاقیت توانایی تفکر به روش‌های جدید است که در آن راه‌حل‌های منحصر به فردی برای رویارویی با مشکلات موجود پیدا می‌شود (حسن زاده و ایمانی فر، ۱۳۹۰؛ به نقل از مهری نژاد و همکاران، ۲۰۱۵). گیلفورد با استفاده از روش‌های پیشرفته آماری و برنامه‌ی کامپیوتری دریافت که قوای فکری انسان را می‌توان به چهار عامل

مجزا، که هر یک به تنهایی قابل اندازه گیری است، تقسیم کرد. به نظر او این خصیصه ها مستقیماً در ظهور خلاقیت مؤثرند که عبارتند از: روانی جریان فکر (خیال پردازی)، انعطاف پذیری قوای فکری، اصالت اندیشه و تصمیم گیری. این چهار خصیصه، تشکیل تفکر واگرا را می دهند. بیشتر آموزش های خلاقیت، پایه و اساس مشترک تفکر واگرا را به اشتراک می گذارد. افرادی که تفکر واگرا دارند در فکر و عمل خود با دیگران فرق دارند و از عرف و عادت دور می شوند و روش های خلاق و نو را به کار می برند. البته تفکر واگرا وقتی مترادف با خلاقیت است که منجر به نتیجه ی مثبت و ثمربخش شود و می توان این نتیجه را محصول خلاق نامید. در واقع سوال اصلی این تحقیق این است که آیا بین ویژگی های شخصیتی و الگوهای فرزندپروری والدین بر روی خلاقیت دانش آموزان تاثیر معنادار وجود دارد.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و الگوهای فرزندپروری والدین بر روی خلاقیت دانش آموزان اهمیت و ضرورتی چندگانه دارد:

این بررسی می تواند به معلمان و مربیان کمک کند تا متدهای آموزش خود را با توجه به ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری بهبود بخشند. با شناخت ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری، می توان نیازهای فردی و روانی دانش آموزان را بهتر درک کرد و در نتیجه، حمایت بهتری از آنها انجام داد. خلاقیت یکی از ویژگی های مهم برای موفقیت در زندگی است. درک چگونگی تأثیر ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری می تواند به ترویج و تقویت خلاقیت در بین دانش آموزان کمک کند. این تحقیقات امکان طراحی برنامه های آموزشی مخصوص بر اساس نیازهای شخصیتی و محیطی دانش آموزان را فراهم می آورد. با شناخت بهتر از رابطه این عوامل، می توان به بهبود سلامت روانی و عاطفی دانش آموزان کمک کرد و از بروز مشکلات روانی جلوگیری کرد. تحلیل این روابط می تواند به والدین و مربیان کمک کند تا محیط های حمایتی تری برای پرورش خلاقیت ایجاد کنند. به طور کلی، فهم این روابط نه تنها به ارتقاء کیفیت آموزشی کمک می کند بلکه به توسعه شخصیت و خلاقیت دانش آموزان نیز می انجامد.

۴. فرضیه پژوهش

بین ویژگی های شخصیتی و الگوهای فرزندپروری والدین بر روی خلاقیت دانش آموزان تاثیر معنادار داشته است.

۵. پیشینه تحقیق

- در رابطه ی فرزندپروری با خلاقیت مطالعات بسیاری انجام گرفته است و نتایج حاکی از آن است که برقراری ارتباط منطقی با فرزندان و عدم وجود رفتارهای دیکتاتوری والدین رابطه مستقیمی با خلاقیت فرزندان دارد (نادری اثر، ۱۳۸۷؛ به نقل از فراهینی و دیگران، ۱۳۹۲). میان شیوه ی فرزندپروری اقتدار منطقی و کمرویی پایین با خلاقیت در تیزهوشان رابطه ی مثبت وجود دارد (فراهینی و دیگران، ۱۳۹۲).

- یافته های حاصل از تحقیقات مهری نژاد و دیگران (۲۰۱۵) نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه می تواند به افزایش خلاقیت در کودکان کمک نماید. نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و خلاقیت بود، بین سبک فرزندپروری مستبدانه و خلاقیت رابطه منفی و معناداری وجود داشت. این در حالی است که بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و خلاقیت رابطه مثبتی معناداری یافت نشد.

- یافته های حمدان و دیگران (۲۰۲۲) از لزوم تصدیق تیپ های شخصیتی دانش آموزان برای درک تفاوت های بین آن ها، پیش بینی خلاقیت آن ها و سفارشی کردن تجربه آموزشی بر این اساس حمایت می کنند.

- نتایج تحقیقات شاو و چوی (۲۰۲۳) نشان داد که ویژگی های گشودگی به تجربه، برون گرایی و وجدانی بودن همگی به طور مثبت با خلاقیت کارکنان مرتبط بودند. همچنین مشخص شد، افرادی که سطوح بالاتری از توافق پذیری را دارند، کمتر خلاق تلقی می شوند. پایداری هیجانی به طور قابل توجهی با عملکرد خلاق رابطه ای نداشت.

- آنتونی ، لاناوتی ، کریستینا (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه خلاقیت و هوش و شخصیت و پیشرفت کارفرما به این نتایج دست یافتند که بین خلاقیت و هوش و ویژگی های شخصیت و پیشرفت رابطه ای معناداری وجود دارد.

- میشرا (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان رابطه تفکر خلاق و هوش هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی به این نتیجه دست یافت که بین خلاقیت و هوش هیجانی رابطه مثبت وجود دارد.

- سمیعی، گلی و یونسین (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان تأثیر برنامه های آموزش هوش هیجانی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی به این نتیجه دست یافتند که آموزش هوش هیجانی باعث افزایش خلاقیت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دبیرستان می شود.

- بتی ، فرنهام و سافولینا (۲۰۲۰) در تحقیق خود با عنوان هوش، دانش عمومی و شخصیت به عنوان پیش بینی کننده های خلاقیت به این نتیجه دست یافتند که شخصیت و هوش پیش بینی کننده های قوی برای خلاقیت می باشند.

۶. نوع و روش انجام پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است.

۶-۱- جامعه آماری

شامل تمامی دانش آموزان و دانش آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه (پایه های اول، دوم و سوم متوسطه) منطقه ۱۵ شهر تهران است (۵۰۰ نفر والدین و دانش آموز) که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در مدارس آموزش و پرورش منطقه ۱۵ شهر تهران مشغول به تحصیل می باشند. با استفاده از جدول مورگان و به شیوه ی نمونه گیری در دسترس تعداد ۸۰ نفر از دانش آموزان دختر مدارس متوسط دوم، تعداد نمونه ۴۹٪ (۳۹ نفر) و دانش آموزان پسرانه ی متوسطه دوم، تعداد نمونه ۵۱٪ (۴۱ نفر) به عنوان نمونه انجام کار انتخاب شدند.

۶-۲- روش نمونه گیری

با توجه به بزرگ بودن جامعه ی تحقیق ابتدا بر اساس نمونه گیری طبقه ی متناسب (جنسیت به عنوان طبقه) ۵۱٪ پسر در مقابل ۴۹٪ دختر این درصد ها در انتخاب نمونه رعایت شده در مرحله بعد بر اساس نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای از بین مناطق آموزش و پرورش (۲۲) گانه، منطقه ی ۱۵ به تصادف انتخاب شده، مرحله ی بعد از بین مدارس دختر و پسر هر

یک دو مدرسه در سطح منطقه ی ۱۵ انتخاب شده اند و در گام بعدی با اخذ اجازه نامه از آموزش پرورش منطقه به مدارس وارد شده و از هر مدرسه، چهار کلاس (دو کلاس مدرسه ی پسرانه، دو کلاس مدرسه ی دخترانه) به تصادف انتخاب و ابزار تحقیق روی کل دانش آموزان حاضر در کلاس اجرا شد. حجم نمونه که براساس فرمول کوکران به دست آمده حداقل ۷۸/۳۳ می باشد که می خواهیم به ۸۰ نفر افزایش پیدا کند. به منظور حجم نمونه از فرمول کوکران و حداقل حجم نمونه تا ۸۰ نفر افزایش پیدا کرد.

۳-۶- ابراز پژوهش

پرسشنامه سبک فرزندپروری یک آزمون ۳۲ سؤالی که در مقیاس لیکرت به صورت هرگز، گاهی، تقریباً متوسط، بیشتر وقتها و همیشه است. سؤال های این پرسشنامه برای اندازه گیری سه سبک مقتدر، مستبد و سهل گیر بر پایه نظریه و سبک های فرزندپروری بامریند تنظیم و تدوین گردیده است. این پرسشنامه علاوه بر سه سبک فرزندپروری دارای ۷ بعد ارتباطی است. سبک مقتدر دارای ابعاد یا مؤلفه های پیوند گرم و حمایتی، استدلال / القا و استقلال می شود. در این پرسشنامه سبک مستبد شامل سه بعد است، بعد اجباری بدنی، خشونت کلامی و غیر استدلالی/ تنبیهی. سرانجام سبک سهل گیر دارای یک بعد یعنی بعد سهل گیری می شود. که بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه ای (هرگز تا همیشه) نمره گذاری شده است و الفای کرونباخ به دست آمده ۹۰ درصد می باشد.

مؤلفه های پرسشنامه :

مؤلفه منبع سوالات

سبک مقتدر (رابینسون و همکاران؛ ۲۰۰۱) ۱،۳،۵،۷،۹،۱۱،۱۲،۱۴،۱۸،۲۱،۲۲،۲۵،۲۷،۲۹،۳۰

سبک مستبد (رابینسون و همکاران؛ ۲۰۰۱) ۲،۴،۶،۱۰،۱۳،۱۶،۱۹،۲۳،۲۶،۲۸،۳۰،۳۲

سبک سهل گیر (رابینسون و همکاران؛ ۲۰۰۱) ۲۴،۲۰،۱۷،۱۵،۸

۴-۶- یافته های توصیفی

آزمودنی های این پژوهش شامل ۸۰ نفر از دانش آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه (پایه های اول، دوم و سوم متوسطه) منطقه ۱۵ شهر تهران بودند. در ادامه به برخی از شاخص های جمعیت شناختی و توصیفی دانش آموزان برای آزمودنی ها مانند جنسیت، پرداخته می شود که نتایج مربوط به آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت شناختی والدین دانش آموزان

درصد	فراوانی	متغیر	
۰/۴۹	۳۹	دختر	جنسیت
۰/۵۱	۴۱	پسر	
۱۰۰	۸۰	کل	

نتایج جدول ۱ نشان می دهد حجم نمونه دانش آموزان دختر شامل ۳۹ نفر دختر (۰/۴۹) و تعداد نمونه دانش آموزان پسر ۴۱ نفر (۰/۵۱) می باشند.

۵-۶- آمار استنباطی

فرضیه پژوهش: بین ویژگی های شخصیتی و الگوهای فرزندپروری والدین بر روی خلاقیت دانش آموزان تاثیر معنادار داشته است. جدول ۲ بررسی خطی بودن رابطه بین ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری با خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر رابطه ی معناداری وجود دارد.

جدول ۲. نتایج بررسی خطی بودن رابطه بین ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری با خلاقیت دانش آموزان

ویژگی های شخصیتی	F خطی بودن	سطح معناداری	F انحراف از خطی بودن	سطح معناداری
سبک مقتدر	۱۴/۵۶۷	۰/۰۰۰۱	۱/۳۷۱	۰/۰۹۲
سبک مستبد	۱۶/۷۶۱	۰/۰۰۰۱	۱/۳۱۱	۰/۰۹۶
سبک سهل گیر	۱۱/۳۴۷	۰/۰۰۰۱	۰/۶۷۴	۰/۷۶۴
روان رنجوری	۱۳/۳۴۹	۰/۰۰۰۱	۰/۳۸۱	۰/۷۹۱
برون گرایی	۱۳/۷۲۴	۰/۰۰۰۱	۱/۷۹۴	۰/۰۷۹
انعطاف پذیری	۱۴/۵۶۷	۰/۰۰۰۱	۱/۳۷۱	۰/۰۹۲
دلپذیر بودن	۱۶/۷۶۱	۰/۰۰۰۱	۱/۳۱۱	۰/۰۹۶
مسئولیت پذیری	۱۱/۳۴۷	۰/۰۰۰۱	۰/۶۷۴	۰/۷۶۴
خلاقیت	۱۳/۳۴۹	۰/۰۰۰۱	۰/۳۸۱	۰/۷۹۱

با توجه به جدول ۲ آماره f انحراف از خطی بودن برای رابطه ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری با خلاقیت دانش آموزان معنادار نیست. درحالی که، آماره f خطی بودن برای این رابطه معنادار است. بنابر این می توان نتیجه گرفت رابطه ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری با خلاقیت دانش آموزان خطی است.

در ادامه به منظور بررسی مفروضه استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده توسط معادله رگرسیون) از آزمون دوربین- واتسون استفاده شد که این مقدار $۱/۸۳۱$ در دامنه $۱/۵$ تا $۲/۵$ قرار داشت که نشان می دهد مفروضه استقلال خطاها وجود دارد. همچنین به منظور بررسی وجود یا عدم وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش- بین از ضریب عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد که مقدار این ضریب برای متغیرهای سبک مقتدر ($۱۴/۵۶۷$)، سبک مستبد ($۱۶/۷۶۱$)، سبک سهل گیر ($۱۱/۳۴۷$)، روان رنجوری ($۱۳/۳۴۹$)، برون گرایی ($۱۳/۷۲۴$) و متغیر انعطاف پذیری، دلپذیر بودن، مسئولیت پذیری، خلاقیت زیر ۱۰ است که نشان دهنده عدم وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون و مشخصه های آماری رگرسیون ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری با خلاقیت

متغیر	R	R^2	B	SEB	$Beta$	T
سبک مقتدر	۰/۳۳۲	۰/۳۷۰	۷/۷۳۷	۰/۵۹۵	۰/۴۳۵	۱۳/۰۰۱**
سبک مستبد	۰/۱۵۷	۰/۴۰۷	۰/۳۹۲	۰/۲۰۱	۰/۱۳۱	۱/۹۵۵*
سبک سهل گیر	۰/۳۰۹	۰/۴۴۰	۴/۰۵۷	۰/۳۰۸	۱/۷۲۰	۱۳/۱۶۶**
روان رنجوری	۰/۶۹۲	۰/۶۸۰	۳/۷۰۳	۰/۲۸۶	۱/۵۵۶	۱۲/۹۴۱**
برون گرایی	۰/۳۷۰	۰/۷۱۱	۱/۷۴۲	۰/۲۵۳	۰/۵۷۸	۶/۸۲۷**
انعطاف پذیری	۰/۳۳۲	۰/۴۰۷	۰/۳۹۲	۰/۵۹۵	۰/۱۳۱	۱/۹۵۵*
دلپذیر بودن	۰/۱۵۷	۰/۴۴۰	۴/۰۵۷	۰/۲۰۱	۱/۷۲۰	۱۳/۱۶۶**

۱۲/۹۴۱**	۱/۵۵۶	۰/۳۰۸	۳/۷۰۳	۰/۶۸۰	۰/۳۰۹	مسئولیت پذیری
۶/۸۲۷**	۰/۵۷۸	۰/۲۸۶	۱/۷۴۲	۰/۷۱۱	۰/۶۹۲	خلاقیت

** $p \leq 0.01$, * $p \leq 0.05$

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد در گام پایانی از میان متغیرهای پیش‌بین پنج متغیر متغیر توانستند به طور تفکیکی تغییرات فرزندروزی و ویژگی‌های شخصیتی را پیش‌بینی کنند. به این ترتیب که سبک مقتدر؛ سبک مستبد، سبک سهل‌گیر، روان رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلی‌پذیر بودن، مسئولیت‌پذیری و با وجدان بودن، قادرند به طور سلسله‌مراتبی تغییرات خلاقیت دانش‌آموزان را به طور معنادار پیش‌بینی کنند. در مجموع این متغیرها قادرند ۷۸ درصد از میزان تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند ($R^2=0/785$). ضریب تاثیر سبک مقتدر؛ سبک مستبد، سبک سهل‌گیر، روان رنجوری، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلی‌پذیر بودن، مسئولیت‌پذیری و با وجدان بودن به ترتیب $B=7/737$ ، $B=4/057$ ، $B=3/703$ ، $B=1/742$ است.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

نحوه ارتباط والدین با دانش‌آموزان عامل موثر بر الگوهای فرزندپروری محسوب می‌شود، خصوصاً در دوره‌هایی از زندگی دانش‌آموزان که تحولات اساسی رشد روانی طی می‌شود. تحقیقات پیرامون آسیب‌های دانش‌آموزان نشان می‌دهد که بسیاری از خانواده‌ها از شیوه‌های تربیتی نامطلوب که منشأ ترس، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان آنها می‌شود استفاده می‌کنند. والدینی که در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی‌ثباتند، در نحوه تربیت فرزندان بایکدیگر توافق ندارند، از الگوهای فرزندپروری مبتنی بر طرد، حمایت افراطی با اغماض یا تسلط، انضباط دوگانه، سستی موازین اخلاقی، کمال‌جویی‌های غیر منطقی و عصبانیت و بی‌ثباتی عاطفی استفاده می‌کنند، رفتارهای نورو تیک را در دانش‌آموزان تثبیت می‌کنند و سبب می‌شوند که دانش‌آموزان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر شده و در چنین شرایطی از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می‌شود، ناکام بمانند. از هم‌پاشیدگی سازمان اصلی خانواده ضربه مهلکی به آینده فرزند در اجتماع می‌زند. تغییراتی که بر اثر مرگ والدین یا یکی از آن دو، طلاق و ترک خانواده در اوضاع و شرایط زندگی دانش‌آموزان پدید می‌آید، نقش مؤثری در گرایش آنها به بزه کاری دارد. از آنجا که قطعاً خانواده‌ها در پرورش فرزندان خود شیوه‌های فرزندپروری متفاوتی را به کار می‌گیرند، در مجموع و با توجه به نتایج حاصل از پژوهش باید گفت که کارکرد خانواده معمولاً در خانواده‌هایی که ابرازگری هیجانی و اقتدار منطقی را در پرورش فرزندان به کار می‌گیرند نیرومندتر است. دانش‌آموزان در روند اجتماعی شدن معمولاً والدین و به خصوص مادر خود را الگو قرار می‌دهد و رفتار را بر پایه تقلید از دیگران پایه ریزی می‌کنند. بنابراین شناخت نیازهای دانش‌آموزان و تصحیح الگوهای رفتاری نقش مهمی را در افزایش عزت نفس دانش‌آموزان خواهد داشت.

در مورد تاثیر آموزش فرزند پروری بر خلاقیت دانش‌آموزان باید گفت که روابط اولیه والدین با فرزندان با فراهم آوردن پایه ای برای انتظارات فرد درباره ی سایر روابط، بر کارآمدی اجتماعی تاثیر می گذارد که تعیین کننده ورود دانش آموزان به سایر روابط است ویژگی های شخصیتی والدین روان آزرده سبب می شود که فرزندان از طرد شدن و ترک شدن نگران باشند و این مسئله خود باعث بوجود آمدن رفتارها و افکار اضطرابی آنان می شود.

منابع

۱. فراهینی، ندا، افروز، غلامعلی، رسول زاده طباطبایی، سید کاظم. (۱۳۹۲). رابطه ی شیوه های فرزندپروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان، مجله ی روان شناسی مدرسه، دوره ۲، شماره ی ۴، ۱۳۷-۱۵۳.

۲. افروز، غلامعلی. (۱۴۰۰). مبانی روانشناختی اندیشه فرزندآوری و مطلوب ترین رویکرد فرزندپروری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳. افروز، غلامعلی. (۱۳۷۱). روانشناسی و تربیت کودک و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان .
۴. حسن زاده، کریم، نراقی، عیسی، قیصری زاده، غفار. (۱۴۰۱). بررسی خلاقیت در دانش آموزان دوره ابتدائی، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۶۱(ب)، ۱۴۰۱.

5. Antonio,T., Lanawati. S.& Christina.. L.(2014).Correlations Creativity, Intelligence, Personality, andEntrepreneurship Achievement. *Social and Behavioral Sciences* 115 (2014) 251 – 257.
6. Batey, M., Furnham, A. F., & Safiullina, X. (2010). Intelligence,general knowledge and personality as predictors of creativity.*Learning and Individual Differences*, 20, 532–535.
7. J.T. Hemdan, D.S. Taha, I.A. Cherif. (2022). Relationship between personality types and creativity: A study on novice architecture students, *Alexandria Engineering Journal*.
8. King,E.B., J.M. George and M.R.Hebl, (2005). Linking personality to helping behaviors at work: An interactional perspective. *Journal of personality*,73:585-607
9. Mehrinejad,S.A, Rajabimoghadam,S, Tarsafi,M.(2015). The Relationship between Parenting Styles and Creativity and the Predictability of Creativity by Parenting Styles, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 205: 56 – 60
10. Mishra. S.(2014). The relationship between Creative Thinking and Emotional Intelligence at High School Students. *Journal of Psychology and Behavioral Science*.2: 197-204
11. Shaw,Amy,Choi, Jay.(2023). Get creative to get ahead? How personality contributes to creative performance and perceptions by supervisors at work, *Acta Psychologica*.
12. Saemi.H., Goli.M.& Younesian.A.(2014). The Effectiveness of an Emotional Intelligence Training Program and its Components on the Creativity and Academic Achievement of High School Students. *Journal of School Health*.1:17-20.